

نکته‌های ترجمه

به انضمام متون تخصصی علوم اجتماعی

محمد قلی پور

(عضو گروه پژوهشی علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد)

قلی پور، محمد، ۱۳۴۴ -

نکته‌های ترجمه، به انضمام متون تخصصی علوم اجتماعی / محمد قلی پور

منهله: شاملو، ۱۳۹۰.

۱۹۲ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۲۳۶-۷

فیا

واژه‌نامه.

زبان انگلیسی - کتاب‌های فرائت - علوم اجتماعی

۱۳۹۰، ۲۰۶ p

۴۱۸۸۰۲

۲۲۵۵۷۳

نکته‌های ترجمه، به انضمام متون تخصصی علوم اجتماعی

محمد قلی پور (عضو گروه پژوهشی علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی منهله)

لیوگرافی: پارسا

چاپخانه: مهر توس

چاپ اول، بهار ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۲۳۶-۷

انتشارات شاملو

مشهد - خیابان جنت - بین جنت ۸ و ۹ - پلاک ۱۶۴

تلفن: ۸۵۷۰۸۵۷ - همراه: ۰۹۱۵۱۱۱۵۷

shamilo.pub@gmail.com



ترتیب

فهرست مطالب

۱۱	به جای مقدمه
۱۷	تعریف ترجمه
۱۸	زویکردهای ترجمه
۱۹	انواع ترجمه
۲۳	مراحل ترجمه
۳۶	معنا و ترجمه
۳۷	حوزه‌های معنایی
۳۸	انواع معنا
۴۳	ویژگی‌های موقعیتی جمله
۴۴	تعادل در ترجمه و ویژگی‌های موقعیتی
۴۴	ترجمه پذیری و ترجمه ناپذیری
۴۵	تمایزات دو گانه‌ی دو سوسور
۴۷	عناصر واژگانی و ترجمه
۴۸	لفت و اجزای معنایی آن
۴۹	گفتمان چیست ؟
۵۰	ساختار دستوری جمله در زبان انگلیسی
۵۰	پیش معرف ها

۵۱	پس معرف‌ها
۵۱	عنصر قیدی در جمله
۵۲	مضاف و مضاف الیه
۵۲	انواع فاعل در جمله
۵۳	فعل مجهول
۵۳	ساختار و ترجمه
۵۴	آیا ساختار زبان‌ها با هم یکسان است؟
۵۴	وظیفه مترجم در قبال ساختار زبان مبدأ
۵۵	گونه‌های زبانی در ترجمه
۵۷	امانت‌داری در ترجمه
۵۸	جادوی مجاورت در کلمات
۵۸	جادوی معنی اول
۵۸	جادوی متن اصلی
۵۹	ترجمه‌ی اصطلاحات
۵۹	ترجمه جمله‌ها
۶۰	شیوه‌های بیان در زبان و معنای مجازی
۶۱	تصویرسازی در اصطلاحات
۶۲	شیوه‌های تصویرسازی در اصطلاحات
۶۳	گرفته‌برداری
۶۵	ویرایش زبانی
۶۵	رابطه‌ی متن مقصد با متن مبدأ
۶۶	نکته‌های ترجمه و ویرایش
۶۷	پیشوندها

۷۴	پسوندها
۸۱	کلمات مشابهی که با هم اشتباه می شوند
۱۰۳	معیارهای ارزیابی ترجمه در سطح خرد
۱۰۴	معیارهای ارزیابی ترجمه در سطح کلان
۱۰۵	مخاطب محوری در ترجمه
۱۰۸	واژه شناسی
۱۰۹	مفاهیم کاربردی در جامعه شناسی
۱۹۱	منابع

www.ketab.ir

به جای مقدمه

زبان را می‌توان از دیدگاه‌های روان‌شناسی، منطق، فلسفه و جامعه‌شناسی مورد پژوهش قرار داد. "نماد" نخستین سنگ بنای هر زبان است که از آن می‌توان به "نشانه مفهومی" تعبیر کرد. بنابر این، زبان در جامعه‌شناسی و بخصوص در قلمرو "جامعه‌شناسی رفتاری" و فقط به عنوان یک واسطه - وسیله‌ی ارتباط انسانی - تبادل و هدایت تلقی می‌شود. یکی از وجوه برتری انسان بر حیوان، بهره‌هایی است که از اجتماع و تلاقی انسان‌ها به دست می‌آید. تنها انسان قادر است با توالی علایم و نشانه‌ها، مفاهیم جدیدی به وجود آورد.

انتظامی که میان "نشانه" و "مفهوم" برقرار می‌شود، تنها در چارچوب زندگی گروهی اعتبار پیدا می‌کند. جامعه‌شناسی زبان به حق، جایی برای خود در کنار "روان‌شناسی زبان" دست و پا کرده که از پیش اهمیت قابل توجهی داشته است. نخستین "کارکرد" زبان، کارکرد اجتماعی آن است، زیرا زبان نه تنها انگیزه‌ی تشکیل گروه‌ها و جوامع کوچک به شمار می‌آید، بلکه همه رفتارها و موقعیت‌های اجتماعی را پایه‌گذاری می‌کند. موجودیت واژه‌هایی چون تشکر، تسلیت، خواهش، همدلی و غیره از مظاهر تایید کننده‌ی کارکرد اجتماعی زبان است. همه‌ی وقایع اجتماعی در زبان بازتاب پیدا می‌کند. بدیهی است که زبان "فردستان"، گسترش بیشتری می‌یابد، در حالی که زبان "فردستان" کمتر بسط پیدا می‌کند. از سوی دیگر زبان در برابر تغییرات اجتماعی "خود مختاری" بیشتری نشان می‌دهد و به آسانی در معرض نابودی قرار نمی‌گیرد. هر کس در هر موقعیتی باید قوانین آن را بیاموزد، به کار بیند و

احترام بگذارد. در اینجا باید میان "امکان‌گویایی" و "سخن‌گویی" تفکیک قابل شد. به مدد "امکان‌گویایی" - که شاید بتوان آن را زبان بالقوه و پرورش نیافته نامید - تنها گروه‌های ابتدایی می‌توانند مجموعه‌ی نه چندان وسیع مفاهیم خود را ابراز دارند، ولی در قلمرو زبان‌هایی که ساخت و پرداخت پیچیده و گسترده‌تری دارند، هر گروه کوچک اجتماعی، بر بخشی از زبان کل جامعه تسلط دارد.

زبان و جامعه به یکدیگر نیاز متقابل دارند. زبان، نوعی قید اجتماعی است که در ابتدا بر اساس "غریزه‌ی قاعده‌مندی" و اجبار به همگونی گروهی به وجود آمده و سپس تبدیل به نوعی ذخیره‌ی نیروی انسانی می‌شود.

"اجبار به همگونی" شیوه‌های مصرف زبان را تعیین می‌کند و جامعه هیچ‌گونه انحراف از این شیوه‌ها را نمی‌پذیرد. این نکته‌ای است که در تمام نهادهای اجتماعی مصداق پیدا می‌کند. زبان از این رو که به کمک عناصر خود همواره می‌تواند مفاهیم جدیدی را ابراز کند، هر مقام مقایسه حتی از "جهان بینی" ها، "آیین‌ها و شعائر" ثابت‌تر جلوه می‌کند. از زمان اختراع خط و کتابت، وجود زبان توجیه منطقی بیشتر و اهمیت و تأثیر افزون‌تری یافته است.

زبان از طریق نگارش، ارتباطی عمودی در جامعه به وجود می‌آورد که ایجاد نوعی یگانگی میان نسل‌های مختلف را سبب می‌شود. متون مذهبی و دیوان‌های ادبی از این راه می‌توانند تأثیر خود را طی قرون متمادی در نسل‌های گوناگون حفظ کنند. مسئله‌ای که تاکنون مورد بحث فراوان قرار گرفته این است که دگرگونی در زبان از کجا ناشی می‌شود. جامعه‌شناسان نیز به موازات متفکرین دیگر، توجیهاتی برای این دگرگونی یافته‌اند. (ظهور طبقات جدید - امتیازات و نیازهای نسل‌های جوان‌تر - تازه‌جویی و غیره.) زبان نیز مانند بسیاری دیگر از پدیده‌های فرهنگی در اشکال بی‌شمار و مستقل از

یکدیگر و گاه در اشکال انشعایی تجلی یافته است. به اعتقاد ما هیچگونه پایه اساسی و ملموس در توجیه وجود "زبان واحد آینده‌ال" در دست نیست.

هر زبانی زیبایی و عمق ویژه خود را دارد و به ما امکان رشد و پرورش جدیدی می‌دهد و جهان را به ما از زاویه‌ای خاص می‌نمایاند. آموختن زبان بیگانه، بر خلاف نظر "لایب نیتس" که آن را "ضرورتی اسف انگیز" تلقی می‌کرد، بزرگ‌ترین وسیله‌ی بسط اندیشه است. تحت تاثیر تفکرات "لایب نیتس" و نیز به سبب فزونی تماس‌های بین‌المللی از اواخر قرن نوزدهم، زبان‌های تصنیفی، و به اصطلاح جهانی، نظیر "ولابوک"، "اسپرانگو" و "آیدو" به وجود آمد که البته از زبان انگلیسی رواج کمتری پیدا کرده است. هیچ چیز چون "تفرق زبان" گروه‌های اجتماعی را از هم جدا نمی‌کند. در گذشته‌ی دور و نزدیک، بیگانه، همواره "بیرو" - در معنای مخالف با انسان کامل - به حساب می‌آمد. "مورمون" ها کمال مطلوب را در آن می‌دیدند که برای پاک نگهداشتن فرقه‌ی خود زبانی اختصاصی داشته باشند و آن را در تمامی قلمرو نفوذ خود رواج دهند. تمایل به تفکیک میان ملت به عنوان یک وحدت معنوی و ملت به معنای سیاسی از همین جا ناشی شده است. "چک" ها ضرب المثلی دارند به این مضمون: "تا زمانی که زبان زنده است، ملت زنده است" البته ملت‌هایی وجود دارند که به زبان‌های گوناگون صحبت می‌کنند (یهودی‌ها، سونیسی‌ها) و نیز زبان‌هایی که ملت‌های مختلف بدان صحبت می‌کنند (اسپانیایی، انگلیسی). به هر حال زبان معیار شناخت یک ملت نیست، بلکه در این شناخت عوامل مهم دیگری چون ریشه‌های تاریخی و فرهنگی مشترک تاثیر دارند.

هر زبان نشان دهنده‌ی حوزه‌ی مشخصی از تجربه هاست و مسایل و پدیده‌ها را به شکل خاصی تفسیر می‌کند. بنابراین، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های اجتماعی به مدد زبان شکل گرفته و تثبیت می‌شوند. انسان از طریق زبان

مادری به انتظام و همبستگی عالی معنوی می‌رسد و همچنین به وسیله‌ی آن به نوعی "تفکر وجودی" دست پیدا می‌کند که اغلب ناآگاهانه است. زبان مادری در میان افرادی که از یک طبقه هستند احساس و دریافت مشترکی به وجود می‌آورد و از همان آغاز آنان را با یکدیگر سازش می‌دهد.

"لوی اشتراوس" اعتقاد دارد که بر حسب آنکه رابطه‌ی میان "ساخت" و اجزای سازنده در یک کل - "کل اجتماعی" - ساده یا پیچیده باشد، به تبع آن رابطه‌ی میان زبان و عناصر سازنده‌ی آن پیچیده خواهد بود. "لوی اشتراوس" این تبعیت را "توازی اجتماعی - زبانی" می‌نامد. واژه نامه "دودن" در آلمان شرقی به شکلی خاص تهیه و تنظیم می‌شود که از نظر حجم لغات و توضیح مفاهیم آنها، با "دودن" منتشر شده در آلمان غربی تفاوت دارد. در حکومت‌های "توتالتر" مسئولیت‌ها نامشخص است. متصدیان با اتکا بر شخصیت خود رفتار و عمل خود را انتخاب می‌کنند. بنابراین، نوعی "عنیت انتزاعی" به وجود می‌آید که بی‌تردید به تحریکات وحشیانه می‌انجامد: زبان به منزله‌ی وسیله‌ای برای تبلیغ و جنجال تلقی می‌شود. (برای مثال واژه "فناتیک" در نظام هیتلری "طنین دیگری یافته بود) تعصبات حزبی و قالبی کردن تفکر و اندیشه، بی‌تردید جز فقیر شدن و از میان رفتن قابلیت انعطاف مفاهیم، بهره‌ای نداشت.

در حوزه‌ی هر زبان اصلی می‌توان به زبان‌های فرعی و اختصاصی دست یافت که به گروه‌های مشخص اجتماعی تعلق دارند. رومی‌ها دارای دو گونه زبان "اشرافی" و "توده‌ای" بودند که گاه حتی از نظر شکل واژه‌ها و موارد استعمال با یکدیگر متفاوت بودند. اینگونه دوگانگی زبان را به خصوص می‌توان در فرانسه قرن هفدهم نشان داد: میان زبان اشراف و توده فاصله‌ای عظیم افتاده بود و اغلب اوقات محاوره توده مردم برای اشراف کاملاً نامفهوم بود.

"بورکهارت" می نویسد محاوره توده مردم برای اشراف طنین و مفهومی چون صدای گاو نر داشته است! مردم عادی بیش از هر چیز از علایم چهره و صوت برای مکالمه با طبقه‌ی اشراف استفاده می‌کردند. همین اختلاف زبانی را می‌توان میان شهرنشینان و روستائیان، باسوادها و بی‌سوادها جستجو کرد. از این گذشته، هر کس در زندگی روزانه‌ی خود، به تناوب و به اقتضای محیطی که در آن قرار گرفته، شکل محاوره‌ی خود را تغییر می‌دهد. شکل مکالمه‌ی خانوادگی را نمی‌توان در برخورد با همکاران، ناآشنایان و یا نوآشنایان به کار برد. همچنان که در هنگام سخنرانی یا نوشتن، انتخاب واژه‌هایی ضروری است که در محاوره عادی به کار بستن آنها مضحک و مسخره جلوه می‌کند. "گوش" های محلی بر اساس گروه‌های به اصطلاح "اولیه" ای انتظام یافته است. گنجینه لغات در گوش‌های محلی وسعت چندانی ندارد و اغلب ۵۰۰ تا ۸۰۰ واژه است. از این گذشته، "گوش‌ها" شکلی بسته و محدود دارند و واژه‌های جدید را به زحمت می‌پذیرند. در زبان ادبی (و اصلی) علاوه بر غنای گنجینه‌ی لغات، راه‌های پذیرش واژه‌های جدید و گسترش بیشتر زبان، همواره باز است و در این میان زبان‌های فرعی تخصصی نیز قابل مطالعه است. هر یک از گروه‌های شغلی علایم زبانی خاصی برای خود دارند که در زندگی روزمره گروه‌های دیگر اهمیت و ارزشی ندارد. "بیمار" به زحمت می‌تواند زبان پزشک خود را درک کند و این نیز زمانی است که گفتگو فقط درباره‌ی درد و بیماری وی جریان دارد. رواج زبان تخصصی غالباً این هدف را پیش رو دارد که اعتبار اجتماعی رشته تخصصی مربوطه را افزایش دهد.

از جمله زبان‌های دیگری که واجد مشخصات انحصاری است، می‌توان از "محاوره مدرسه‌ای" نام برد. انگیزه‌ی بیشتر اینگونه محاوره‌های اختصاصی را می‌توان در روح تعاون و تمایل به همکاری و همبستگی گروهی سراغ گرفت. با

این گونه "محواره"ها از یک سو همبستگی عاطفی درون گروهی و از سوی دیگر فاصله با گروه‌های خارجی دیگر مشخص می‌شود. "محواره مدرسه"ای با دربرگرفتن اصطلاحات خاص گروهی، رفته رفته تبدیل به نوعی رسم و آیین می‌شود.

سهم این کتاب در جریان ترجمه‌ی متون تخصصی علوم اجتماعی، فقط اشاره به مفاهیم کلیدی است. بسیاری از این مفاهیم در این کتاب نیامده و مواردی که اشاره شده فقط به عنوان نمونه معرفی شده‌اند. نمونه‌هایی که می‌تواند کلید اصلی ورود به عرصه‌ی ترجمه در حوزه‌ی علوم اجتماعی باشد. لازم می‌دانم از سرکار خانم شهرزاد نودری به خاطر بازخوانی و انطباق موضوع‌های کتاب با دست‌نوشته‌ها و سرکار خانم نسیم احمدی به خاطر بازخوانی متن کتاب تشکر و قدردانی کنم.

م - قلی‌پور. عضو گروه پژوهشی علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد - بهار ۱۳۹۰